

در آغوش کشیدن سادگی

نگاهی به مفهوم تراش ناخوردگی در تفاسیر کهن داثوئه جینگ

اسماعیل رادپور

یکی از بنیادی‌ترین معانی در معارف مابعدالطبیعی و نیز آداب طریقتی سنت داثویی (کانون آیین‌های عرفانی شرق دور) «سادگی» است که عموماً با تمثیل کنده‌چوب تراش‌ناخورده بدان اشاره می‌کنند. در این تعالیم، سادگی اشارتی است به وضع دست‌ناخورده، نخستین و فطری موجودات در کمال ازلی که از سبب در افتادن در گردش مرکزگرای چرخ دگرگونی‌ها از دست می‌رود و باز یافتن این مرتبه پردیسی یا به تعبیر داثویی «در آغوش کشیدن سادگی» عبارت است از رجوع به مرکز این چرخ و رها شدن از بند دگرگونی‌های ده‌هزار موجود. این نوشته تفحصی است درباره دو اشاره «داثوئه جینگ» یا «دفتر مقدس حق و راستی» به مفهوم سادگی و شروع استادان سنت داثویی در کهن‌ترین تفاسیر نوشته شده بر این کتاب.

تراشیدن کنده‌چوب تراش‌ناخورده برای ساختن ظروف چوبی جنایت صنعت‌گران بوده است. خراشیدن داثو و ده [= حق و راستی] برای ساختن شفقت و پارسایی خطاکاری فرزندان بوده است.

دفتر استاد جوانگ، فصل نهم

سنت یکسره طریقتی داثویی که سرچشمه همه آیین‌های عرفانی است در شرق دور، در قلب تعالیم سلوکی خود از دو سیر سخن می‌گوید: یکی رجوع از محیط دایره بشریت به مرکز آن و استقرار در این مرکز که تحقق به مقام راستین انسان (جن‌ژن) است، و دوم، عروج از آن مرکز به غایت تعالی (تای‌جی) و تحقق به مراتب الاهی، مقامی که در آن رونده داثویی از همه قیود فردی و بشری درمی‌گذرد و در مرکز همه مراکز هستی استقرار می‌یابد و تبدیل می‌شود به انسان الاهی یا انسان وارسته (شُن‌ژن). اما انسان وارسته که مقام عالی او در گنجایش قیود بشری نیست، چون در مرتبه بشری ظهور بخواهد کرد، به ضرورت جامه انسان راستین درمی‌پوشد و مانند «کنده‌چوبی تراش‌ناخورده»، سادگی فطری انسان را می‌نمایاند.

در معارف حکمی سنت داثویی و بالتبع مباحث سلوکی آن، یکی از بنیادی‌ترین معانی «سادگی» است که تصویری است مستقیم از یکپارچگی درونی انسان فرهمند و این یکپارچگی نیز تصویری است از بساطت مبادی عالی. پس، از نظر گاهی مابعدالطبیعی، سادگی بیان توحد موجودی است که به مرکز مرتبه خویش دست یافته است و نمودار بازگشت به مرتبه ازلی است؛ و از نگاهی اجتماعی، این بیان بیرونی خروشی است آبوار بر علیه تجمل اسراف‌کاری و تصنع سخن‌آرایی و تکلف عمل‌گرایی.

در میان اصطلاحاتی که معنی سادگی را افاده می‌کند و در متون مهم آیین داثویی، کاربرد فراوان دارد، پُو است به معنی ساده، بسیط غیرتصنعی و دست‌ناخورده. لغت‌نامه شونون‌جیه‌دزی (مکتوب در حدود ۱۰۰۰م) در معنای این لفظ نظر به شکل نوشتاری آن، به «چوب تراش‌ناخورده» اشاره می‌کند، رمزی که پیش از هر چیز نمودار وضع نخستین و فطری موجود است. بذر این معنی را داثوئه جینگ یا دفتر حق و راستی در سنت داثویی کاشته است. این کتاب که در میان متون مقدس سنت داثویی، یکی از اصلی‌ترین آنهاست، اثر لاثوئزی، دانای فرهمندی است که در حدود دوهزار و هفتصد سال پیش در سرزمین چین می‌زیسته است و چنان مقام بلندی دارد که در سنت چینی او را آموزگار کنفوسیوس بزرگ می‌دانند. به جای درافتادن در خلاب روح‌گرایی مدرن و رازآشنایی‌های کاذب، و به جای سرگردان شدن

در گرداب مطالعات زبان‌شناسی و تاریخی صرف، مقاصد لاثوئزی را بهتر از همه در تفاسیر پیران و دانایان سنت داثویی بر دفتر حق و راستی می‌باید جست. در ذکر کهن‌ترین تفاسیر داثوئه جینگ، از چهار تفسیر کهن می‌باید نام برد. اول، تفسیر هه‌شانگ گنگ یا ریش‌سپید کناره رودخانه، عارفی مرموز که در حدود دو قرن قبل از میلاد بر کناره رودخانه زرد می‌زیسته است؛ در تفسیر او، تعالیم سلوکی غالب است بر دیگر جنبه‌ها. دوم، تفسیر جوانگ دزون یا یان دزون، عارفی عزلت‌نشین که در قرن یکم پیش از میلاد می‌زیسته است؛ در تفسیر بر جای مانده از او که صرفاً نیمه دوم داثوئه جینگ را شرح کرده است، تعالیم مابعدالطبیعی و عرفانی غالب است بر دیگر جنبه‌ها. سوم، تفسیر وانگ بی (۲۴۹-۲۲۶م) که حکیم پرآوازه و جوان‌مرگ مکتب تعلیم اسرار (شونین‌شونیه) است؛ در تفسیر او، تمرکز بر تعالیم حکمی است. و چهارم، تفسیر شیانگ‌ثر از نویسنده نامعلوم (محتماً نوشته جانگ لو که در اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم میلادی می‌زیسته است) در طریقت استادان آسمانی (تین‌شی داثو)؛ در این تفسیر که صرفاً نیمه نخست داثوئه جینگ را شرح کرده است، تعالیم دینی غالب است بر دیگر جنبه‌ها. این نوشته نگاهی است مختصر به دو اشاره داثوئه جینگ، از میان اشارات متعدد آن، به تراش‌ناخورده‌گی یا سادگی (یکی در بند نوزدهم و دیگری در بند بیست و هشتم) و شروع دانایان سنت داثویی بر این اشارات در تفاسیر کهنی که ذکر شد به غیر از تفسیر جوانگ دزون که شرح این دو اشاره را شامل نمی‌شود.

یک - از بند نوزدهم

بی‌رنگی را بنگر، تراش‌ناخورده‌گی [وسادگی] را در آغوش کش (بانبوئو)؛ انسانیت را بکاه، خواهش‌ها را کم کن. شو، به معنی بی‌رنگی، ابریشم خام رنگ‌ناخورده را تصویر می‌کند که این تمثیل نیز تداعی‌کننده معانی نزدیک به کنده‌چوب تراش‌ناخورده است. در تفسیر این کلام، هه‌شانگ گنگ می‌نویسد:

نگریستن بی‌رنگی همان در آغوش کشیدن [و پذیرش بی‌چون‌وچرای] بی‌رنگی و مراقبت بر وضع راستین [و خالص هر چیز] است، و نیز عزیز نداشتن ظواهر و تجملات. در آغوش کشیدن تراش‌ناخورده‌گی همان نگریستن بر سادگی فطری و نشان دادن آن به جهان است تا جهانیان از آن مقتدا مشق کنند. مراد از کاستن انسانیت استقامت بر بی‌خویشتن بودن است، و مراد از کم کردن خواهش‌ها قناعت است.^۲

تفاسیر وانگ‌بی و شیانگ‌ثر نیز این دستورات را برگزیدن از ظواهر کلمات و به‌عمل در آوردن آموزه‌های رجوع به مرتبه ازلی می‌دانند که لاثوئزی در بند نوزدهم تعلیم می‌دهد. در مقابل بی‌رنگی و تراش‌ناخورده‌گی از خودپرستی و خواهش‌های نفسانی سخن گفته شده است: «بازگشت به حقیقت انسانی خویشتن و باز یافتن نور فطرت منوط است به درگذشتن از ظلمات طبیعت و خودکامگی نفس در توجه به ظواهر و امور بیرونی از مجرای حواس پنج‌گانه و عواطف شش‌گانه که عبارت است از هوی و غضب، غم و شادی، و عشق و تنفر». پس، «رنگ‌های پنج‌گانه چشم آدمی را نابینا می‌سازد، آواهای پنج‌گانه گوش آدمی را ناشنوا می‌سازد... اجناس کمیاب [و زیورآلات گران] حرکت آدمی را ناساز می‌سازد... پس آن را رها کن و این را بپذیر».^۳ در داثوئه جینگ، ضمیر اشاره به دور «آن» دال است بر امور متفرق بیرونی و ضمیر اشاره به نزدیک «این» دال است بر درون و حقیقت خودی.

دو - از بند بیست و هشتم

با دانستن [جنبه] جلال آن و با مراقبت بر [جنبه] حقارت آن، دره جهان شوند. چون دره جهان باشند، راستی [ایشان] همواره فزون است، و به [مقام] تراش‌ناخورده‌گی بازمی‌گردند. کنده تراش‌ناخورده که تراش خورد و از آن ابزار سازند، انسان فرهمند آن را به‌کار می‌برند و و سرآمد منصب‌داران می‌گردند.^۴ دره جایگاهی است که پایین می‌نشیند و برتری نمی‌جوید، در نتیجه جویبارهای بسیار در آن فرو می‌ریزد و شهریار جویبارها و رودها می‌گردد. در این بند، لاثوئزی از بازگشت به سه مقام سخن می‌گوید،

یکی بازگشت به مقام کودک نوزاد، دوم بازگشت به غایت نیستی (ووجی) و سوم بازگشت به مقام تراش ناخوردگی. و بنا به تفسیر شیانگ‌نر، «تراش ناخوردگی نفس آغازین دائو [حقوق الحقائق؛ مبدأالمبأدی] است. روندهٔ دائو به تراش ناخوردگی بازمی‌گردد و با دائو اتحاد می‌یابد». و وانگ بی این مقام آخر را بازگشت دوباره از مقام رفیع ووجی به دنیای ماده می‌داند ولی در یک وضع متفاوت؛ می‌نویسد:

پس از بازگشت به غایت مقامات، سخن از رجوع به جایگاهی است که در آن ده [راستی] در کمال است. در بند دیگری، لائو‌دزی گوید: «بازگونی حرکت دائواست».^۶

این اشارات سخت یادآور سخنان جوانگ‌دزی است، آنجا که از شکوه اول‌الزمان سخن به میان می‌آورد و خصیصهٔ آن دوره را راستی تام (جی‌ده) می‌داند و در وصف نمود این راستی تام به غیر از «زیستن با پرندگان و جانوران و یکسان بودن با ده‌هزار موجود» از «همبستگی کامل با بی‌دانشی و جدا نگشتن از راستی و یکی بودن با بی‌خواهشی» سخن می‌گوید و این اوصاف را همه «بی‌رنگی و سادگی» می‌نامد و می‌نویسد: «در بی‌رنگی و سادگی است که مردمان به فطرت خویش دست توانند یافت».^۷ در ادامه تفسیر مذکور، وانگ بی آورده است:

مراد از تراش ناخوردگی خلوص [وضع راستین، حقیقی بودن] است. و چون خلوص از دست برود، انواع تصنعات اخلاقی پیدا می‌آید و اقسام شخصیت‌های فردی متولد می‌شود. اینها همچون «ابزار» هستند و به سبب چندپاره شدنشان، انسان فرهمند سرآمد این منصب‌داران می‌گردد.^۸

با رویکردی مشابه، هه‌شانگ گنگ می‌نویسد:

می‌باید خویش را بازگرداند به خلوص و سادگی و نه به تبرجات و ظواهر... مراد از «ابزار» کاربست [حقایق مصدری] است. چوب تراش ناخوردهٔ ده‌هزار موجود چون تراش خورده، تبدیل می‌شود به ابزار و کاربست. دائو [سبب‌المبأدی] چون به‌سوی ظهور حرکت کند فرشتگان منور خلق می‌شوند و چون پیش‌تر رود، آفتاب و ماهتاب خلق می‌شود و از آن دو پنج عنصر می‌زاید... انسان فرهمند [در تخلق به دائو] از کاربست‌ها درمی‌گذرد و سرآمد نخستین همه منصب‌داران می‌شود.^۹

در این کلام لائو‌دزی (بند بیست‌وهشتم)، نظر به شروح و تفاسیر کهن، بازگشت به مقام کودک نوزاد منطبق می‌افتد بر حصول مقام انسان راستین (چن‌ژن) و ظهور نور فطرت؛ بازگشت به مقام غایت نیستی یا ووجی تناظر دارد با حصول مقام انسان وارسته (شن‌ژن) و غایت سیر صعودی در سلوک دائویی؛ و بازگشت به مقام تراش ناخوردگی عبارت است از سیر سالک دائویی در اشیا با برخورداری از کمال راستی (چون‌ده). کمال راستی یا راستی تام خصیصهٔ عصری زرین است که در آن، مردمان همه از این وضع فطری با بهره‌برداری و در بی‌دانشی استقرار داشتند که تناظری معکوس است از کمال دانش، و متمکن در بی‌خواهشی بودند که از صفات انسان فرهمند (شن‌گژن) لائو‌دزی است.^{۱۰} در مقابل سادگی یا تراش ناخوردگی، گرایش به تجملات و دانش‌های صوری و تعزیز خواهش‌های نفسانی است که این هر سه در ظاهرگرایی خلاصه می‌شود.

دائوده جینگ، بند نوزدهم

با رها کردن قداست و ترک گفتن دانش، مردمان صدچندان نفع می‌برند. با رها کردن شفقت و ترک گفتن پارسایی، مردمان [بدون تعالیم اخلاقی خودبه‌خود] به اکرام والدین و عطفوت بازمی‌گردند. با رها کردن چیره‌دستی و ترک گفتن منفعت، دزدان و رهنان وجود نخواهند داشت. این سه‌گانه را در حد الفاظ منظور داشتن، کافی نیست. پس به کار چیزهایی درکوش که با آنها [در صمیم فطرت] پیوند داری؛ بی‌رنگی را بنگر، تراش ناخوردگی را در آغوش کش، آنانیت را بکاه، خواهش‌ها را کم کن.

دائوده جینگ، بند بیست و هشتم

با دانستن [جنبه] مذکر آن، و با مراقبت بر [جنبه] مؤنث آن، جویبار جهان شوند. چون جویبار جهان باشند، هرگز از [راستی] جدا نمی‌شوند، و به [مقام] نوزادی بازمی‌گردند. با دانستن [جنبه] سپید [و روشن] آن، و با مراقبت بر [جنبه] سیاه [و تیره] آن، مقتدای جهان شوند. چون مقتدای جهان باشند، [راستی] [ایشان] هرگز لغزش نمی‌یابد، و به [غایت نیستی] بازمی‌گردند. با دانستن [جنبه] جلالت آن، و با مراقبت بر [جنبه] حقارت آن، درهٔ جهان شوند. چون درهٔ جهان باشند، [راستی] [ایشان] همواره فزون است، و به [مقام] تراش ناخوردگی بازمی‌گردند. کندهٔ تراش ناخورده که تراش خورده و از آن ابزار سازند، انسان فرهمند آن را به کار می‌بندد، و سرآمد [و بزرگ و سالخورده] منصب‌داران می‌گردد. پس خراط بزرگ هیچ نمی‌تراشد.

لغات و اصطلاحات چینی

بائو یو / 抱樸 / در آغوش کشیدن سادگی (اصطلاح دائویی)

پو / 樸 / سادگی (اصطلاح دائویی)

تای جی / 太極 / غایت تعالی (اصطلاح دائویی)

تین شی دائو / 天道 / طریقت استادان آسمانی (نام مکتب)

جانگ لو / 張魯 / (نام شخص)

چن ژن / 真人 / انسان راستین (طبقات اولیای دائویی)

جوانگ‌دزی / 莊子 / (نام شخص)

جی‌ده / 至德 / راستی تام (اصطلاح دائویی)

دائوده چن جینگ / 道德真經註 / تفسیر [وانگ بی] بر دفتر حقانی

دائو و ده (نام کتاب)

سو / 素 / بی‌رنگی (اصطلاح دائویی)

شن ژن / 神人 / انسان وارسته (طبقات اولیای دائویی)

شن‌گژن / 聖人 / انسان فرهمند (طبقات اولیای دائویی)

شوون جیه‌دزی / 說文解字 / شرح اصطلاحات و معنی لغات (نام لغتنامه)

شوین شوئه / 玄學 / تعلیم اسرار (نام مکتب فکری)

شیانگ‌نر / 想爾 / (نام مستعار شخص)

لائو‌دزی هه‌شانگ گنگ / 老子河上公章句 / تفسیر

هه‌شانگ گنگ بر دفتر لائو‌دزی (نام کتاب)

وانگ بی / 王弼 / (نام شخص)

هه‌شانگ گنگ / 河上公 / ریش‌سپید کناره رودخانه (لقب شخص)

پی‌نوشت‌ها

۱. دائوده جینگ، بند ۱۹ (ترجمه‌ها همه از نویسنده است. برای ترجمه فارسی دائوده جینگ رجوع کنید به دائوده جینگ، نوشتهٔ لائو‌دزی، ترجمه و تعلیقات اسماعیل رادپور [تهران: انتشارات زندگی روزانه، ۱۳۹۵] // ۲. تفسیر هه‌شانگ گنگ (لائو‌دزی هه‌شانگ گنگ جانگ‌جو) بر بند ۱۹، در مجموعه کتب دائویی، دائوژانگ (جنگ‌هوآ دائوژانگ [بی‌جینگ: انتشارات هوآشیا]، جلد نهم، صص ۱۶۸-۱۲۷). // ۳. دائوده جینگ، بند دوازدهم. // ۴. همان، بند بیست‌وهشتم // ۵. تفسیر شیانگ‌نر (لائو‌دزی دائوده جینگ شیانگ‌نر جو) بر بند ۲۸، در مجموعه کتب دائویی، دائوژانگ (جنگ‌هوآ دائوژانگ [بی‌جینگ: انتشارات هوآشیا]، جلد نهم، صص ۱۸۴-۱۶۹). // ۶. تفسیر وانگ بی (دائوده چن جینگ جو) بر بند ۲۸، در مجموعه کتب دائویی، دائوژانگ (جنگ‌هوآ دائوژانگ [بی‌جینگ: انتشارات هوآشیا]، جلد نهم، صص ۲۱۹-۱۹۲). // ۷. بنگرید به فصل نهم از دفتر استاد جوانگ (جوانگ‌دزی). // ۸. تفسیر وانگ بی بر بند ۲۸. // ۹. تفسیر هه‌شانگ گنگ بر بند ۲۸. // ۱۰. بنگرید به دائوده جینگ، بند ۶۴.